



وجوه و ابعاد عدالت در اسلام/ کرسی های آزاد اندیشی در حوزه عدالت برپا شود

یک استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار داشت: در هیچ دین و آیینی به اندازه اسلام به عدالت اهمیت داده نشده ...

یک استاد دانشگاه مطرح کرد؛

وجوه و ابعاد عدالت در اسلام/ کرسی های آزاد اندیشی در حوزه عدالت برپا شود

یک استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار داشت: در هیچ دین و آیینی به اندازه اسلام به عدالت اهمیت داده نشده و در هیچ یک از مذاهب اسلامی به اندازه تشیع به موضوع عدالت بها داده نشده است. دکتر محمد فنایی اشکوری در گفت و گو با خبرنگار مهر در مورد اینکه آیا فیلسوفان اسلامی در خصوص مفهوم عدالت نظریه پردازی جامعی کرده اند؟ گفت: در تاریخ تفکر اسلامی دستکم در چهار حوزه از عدالت بحث شده است. نخست در الهیات یا همان علم کلام است که از عدالت خدا یا عدل الهی بحث شده است. یکی از صفات الهی عدل اوست. در تشیع عدل الهی از اصول دین قرار داده شده است. با اینکه خداوند اسما و صفات بسیار دارد ولی از میان همه آنها عدل از ارکان دین محسوب شده که این امر نشانگر اهمیت عدالت در نگاه شیعی است.

وی افزود: حوزه دیگری که عدالت مورد توجه قرار گرفته فلسفه سیاسی اسلام است. در فلسفه سیاسی اسلام از عدالت اجتماعی بویژه ضرورت عدالت حاکم بحث شده است. این نیز در تشیع برجستگی یافته است. یکی از شرایط ضروری حاکم یا رهبر عدالت است، بطوری که اگر حاکمی عادل نباشد مشروعیت ندارد. نه تنها لازم الاطاعه نیست بلکه در شرایطی مبارزه با او و اسقاطش واجب است. مبارزه با حاکم ستمگر برترین جهاد است. افضل الجهاد کلمه حق عند سلطان جائز. قیام خونین سالار شهیدان در حقیقت جهاد با حاکم جائز بود.

حوزه سومی که عدالت در آن بحث شده است فقه اسلامی است. در فقه اسلامی عدالت به مفهوم حقوقی و قضائی آن مطرح است. هم عدالت در رفتار فردی و خانوادگی و هم عدالت در رفتار اجتماعی در فقه مورد تأکید است. مثلاً قاضی باید حتماً عادل باشد. حتی امام جماعت باید عادل باشد. این نیز در تشیع برجسته است. در هر حال در هر رفتاری ظلم از گناهان کبیره است و نادیده گرفتن هر حقی اعم از حق الله و حق الناس ظلم و خروج از عدالت است.

این نویسنده و محقق تصریح کرد: حوزه چهارم بحث از عدالت، اخلاق است. بسیاری از حکمای مسلمان با تأثر از مکتب اخلاقی ارسطو عدالت را به عنوان مهمترین فضیلت یا حد وسط طلایی بین افراط و تفریط رکن رکن اخلاق می دانند. حتی اگر این مبنا پذیرفته نشود بر طبق معیار های اسلامی نیز عدالت حداقل شرط ضروری در هر رفتار اخلاقی است.

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تصریح کرد: بنابراین، در این چهار حوزه یعنی الهیات، فلسفه سیاسی، فقه و اخلاق حکما و دانشمندان ما از عدالت سخن گفته اند. با قاطعیت عرض می کنم که در هیچ دین و آیینی به اندازه اسلام به عدالت اهمیت داده نشده و در هیچ یک از مذاهب اسلامی به اندازه تشیع به موضوع عدالت بها داده نشده است.

وی افزود: اما با این همه باید اذعان کرد آن مقدار که در خود تعالیم اسلامی یعنی در قرآن و روایات و در سیره پیامبر و امیرالمؤمنین و در نهج البلاغه بر عدالت و به ویژه عدالت اجتماعی تأکید شده، به آن اندازه متفکران اسلامی به این مقوله نپرداخته اند؛ و حجم مباحثی که عالمان ما از عدالت ارائه کرده اند متناسب با آن اهمیتی که در اسلام و تشیع به این مفهوم داده اند نیست. جا دارد که متفکران ما بحث عدالت را هم از جهت نظری و تئوریک و فلسفی و هم از بعد عملی و کاربردی و اجرایی به خصوص عدالت اجتماعی و به خصوص آنجا که با حقوق مردم و در رابطه با حکومت و مردم ارتباط پیدا می کند بیشتر مورد بحث و بررسی قرار دهند.

فنایی ادامه داد: یکی از بحث هایی که امروزه اولویت دارد متفکران ما به آن بپردازند و در آن زمینه نظریه پردازی کنند، کرسی های آزاداندیشی در آن زمینه پریاکند همین بحث عدالت است با آن ابعادی که ذکر کردم.

این محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی درباره اینکه در مقایسه با مفهوم آزادی، فلاسفه اسلامی بر تقدم عدالت بر آزادی تأکید دارند یا برعکس هم تصریح کرد: در باب نسبت آزادی و عدالت باید گفت اساساً بحث از آزادی به مفهوم امروزش بحث نسبتاً جدیدی است و مربوط به تمدن جدید می شود. در گذشته چندان روی مفهوم آزادی در هیچ جای دنیا تمرکز وجود نداشت. در فلسفه های پیشین چه فلسفه یونان، چه فلسفه غرب، چه فلسفه اسلامی مفهوم آزادی چندان محوریت نداشته و مورد توجه نبوده است. ولی البته این معنایش این نیست که این مفهوم به طور کلی غایب بوده است.

این استاد دانشگاه عنوان کرد که باید اذعان کرد که آن اهمیتی که برای آزادی در دوره جدید قائل می شویم در گذشته بدین صورت نبوده است. از دیدگاه اسلامی و تفکر دینی هم عدالت و هم آزادی ارزش های و مقدس و لازم الرعایه هستند، اما تقدم با عدالت است و حدود آزادی را عدالت تعیین می کند، یعنی آزادی مقید به عدالت است. آزادی تا جایی است که عدالت را نقض نکند یا خللی به آن نزند. بنابراین ضمن اینکه هردو از ارکان ارزشی هر جامعه مدنی انسانی و مدینه مطلوب اسلامی به حساب می آیند اما تقدم با عدالت است.

|